

ضدیت با آمریکا به رسم باکو

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :
پایگاه سیاست جدید

علی حسن اف رئیس اداره مسایل اجتماعی و سیاسی دفتر ریاست جمهوری آذربایجان اخیراً اعلام کرد: «رفتار ایالات متحده با آذربایجان شبیه به رفتار شریک راهبردی نیست و لذا ما می توانیم در سیاست خود نسبت به ایالات متحده بازنگری بکنیم». وی تأکید کرد که آمریکا نباید فقط به فکر آن باشد که به ارمنستان در زمینه رفع بحران اقتصادی کمک کند و نیز نباید به صورت یکجانبه از تمایلات ژئوپلیتیکی ایروان در زمینه بحران ناگورنی قره باغ حمایت کند. به عقیده این مقام آذربایجانی، در حال حاضر مسأله ناگورنی قره باغ در ایالات متحده بیش از حد تحت تأثیر لابی ارمنی قرار دارد.

وی تشریح نکرد سیاست باکو در کدام جهت تغییر خواهد کرد ولی این اظهارات بلافاصله موج تفسیرهای ناظران آذربایجانی، ترکیه ای، آمریکایی و ارمنی را برانگیخت. عده ای از سیاستمداران و کارشناسان ارمنی حتی به تغییرات در جهتگیری خط ژئوپلیتیکی کشور همسایه اشاره کردند. نمایندگان آنکارا به آذربایجان هشدار دادند که نباید همه پل ها را بسوزاند. ولی واکنش واشنگتن محتاطانه بود. نماینده سفارت آمریکا در باکو اظهار داشت که واشنگتن در زمینه بحران ناگورنی قره باغ تعادل منافع را رعایت می کند. در هر حال، اظهارات رئیس اداره دفتر ریاست جمهوری آذربایجان وجود مسایل جدی در روابط باکو با واشنگتن را آشکار ساخت. از نظر باکو، ایالات متحده در زمینه ناگورنی قره باغ بیش از حد تحت تأثیر لابی ارمنی قرار دارد. اظهارات تند حسن اف از دو جهت شایان تأمل است. اولاً، در آذربایجان (بر خلاف اوکراین) مقامات دولتی به خود اجازه نمی دهند به طور خودسرانه و بدون اجازه رهبران کشور چیزی اعلام کنند. از اینجا می توان نتیجه گرفت که عالی ترین محافل حاکم بر کشور به تشدید بازی با واشنگتن علاقه مندند. ثانیاً، نماینده کشوری از ایالات متحده انتقاد شدیدی کرد که کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا جدیداً آن را «متحد اسلامی» آمریکا اعلام کردند. تا بهار سال 2006 تنها ترکیه از این لقب برخوردار بود. آذربایجان غیر مذهبی از نظر پیشبرد سیاست آمریکایی در قفقاز و آسیای مرکزی کشور بسیار مهمی است. بدیهی است که ایالات متحده در مشرق اسلامی مواضع محکمی ندارد. ایران، کشور همسایه جمهوری آذربایجان، حریف اساسی واشنگتن در این منطقه است که همین امر ارزش باکو را بالا می برد. آذربایجان با آمریکا پروژه های اقتصادی مشترکی دارد. آمریکا از تلاش باکو برای عضویت در ناتو و نیز از اتحادیه «گوم» که باکو عضو آن می باشد، حمایت می کند.

ولی اکنون نمایندگان آذربایجان همه دستاوردهای مذکور آمریکا را زیر علامت سؤال می برند. از سوی دیگر، آیا آذربایجان برای ایجاد تغییرات جدی در سیاست خارجی خود آماده است؟ بدیهی است که آغاز رویارویی جدی با آمریکا برای باکو مشکلات فراوانی به بار خواهد آورد. اگر آذربایجان واقعاً در این مسیر قرار بگیرد، اوضاع پیرامون ناگورنی قره باغ به گونه نامناسب برای باکو توسعه خواهد یافت. البته، می توان گفت که الان هم این مسأله به نفع دولت آذربایجانی حل نمی شود. این ادعا درست است ولی بهتر است که با شرایط بالقوه مقایسه شود. اگر ایالات متحده و متحدانش در صورت بروز اختلافات جدی با باکو علیه آن اقدام کنند، مواضع آذربایجان در زمینه مناقشه ناگورنی قره باغ ضعیف تر از امروز خواهد شد. تحریم های اقتصادی بالقوه علیه این کشور تولید کننده مواد خام باعث ضایعات مادی خواهد شد. انتقاد واشنگتن از وضعیت حقوق بشر در آذربایجان که تا کنون مطرح نشده است، باعث اصلاح وضعیت آذربایجان نخواهد شد.

بنا بر این، نباید با عجله ناروا نتیجه گرفت که باکو از مدار نفوذ آمریکایی خارج شده و به اردوگاه مخالفان ژئوپلیتیکی واشنگتن منتقل می شود. بیانات حسن اف در جو سیاسی مشخصی اعلام شد. روز 13 آوریل 2010 در پایتخت آمریکا اجلاس بی سابقه امنیت هسته ای به کار خود پایان داد. با وجود اینکه مسأله عدم اشاعه سلاح های هسته ای موضوع اساسی این اجلاس بود، رئیس جمهور آمریکا برای گفتگوی غیر علنی با رهبران ارمنستان و ترکیه 45 دقیقه وقت پیدا کرد. باراک اوباما در این جلسه با سرژ سارگیسیان و رجب اردوغان درباره تصویب دو پروتکل درباره عادی سرنگی ایوانوف معاون اول نخست وزیر روسیه روابط بین ایروان و آنکارا بحث کرد. ولی آذربایجان به يك بهانه تصنعی برای شرکت در اجلاس دعوت نشد. بهانه این بود که باکو سلاح هسته ای ندارد. لیکن ارمنستان و گرجستان هم قدرت های هسته ای نیستند. دولت آمریکا از این طریق نشان داد که نمی خواهد مناقشه ناگورنی قره باغ را با آشتی بین ارمنستان و ترکیه در يك قابل بگذارد. ولی باکو با جدا کردن این دو روند از همدیگر موافق نیست. برای باکو، متمایز شدن این دو روند از همدیگر چالش جدی ایجاد می کند زیرا در صورت باز شدن مرز بین ارمنستان و ترکیه، آنکارا از متحد بی چون و چرای باکو به بازیگر منطقه ای تبدیل خواهد شد که به توسعه تعاون با ایروان علاقه مند است. هدف دیپلماسی آذربایجانی، با هم مرتبط کردن این دو روند است. ضدیت با آمریکا که يك امر ناگهانی است، از همینجا سرچشمه می گیرد. این تنها وسیله ای برای جلب توجه به خود به امید برنده شدن در این بازی است.

گفتنی است که «توپخانه سنگین» سیاست آذربایجانی و قبل از همه الهام علی یف رئیس جمهور، هنوز وارد نبرد نشده است. البته این شیوه عمل معمولی باکو است. می توان به جنجال تسلیحاتی اوایل سال 2009 اشاره کرد که آذربایجان به خاطر صادرات اسلحه روسی به ایروان از مسکو انتقاد شدیدی کرد. در آن زمان نیز علی حسن اف بود که سیاست خارجی روسیه را محکوم می کرد. ولی الهام علی یف از برخورد رو در رو با کرملین اجتناب کرد و مناقشه ای که شروع می شد، در همان مرحله اول خاموش شد. باکو به مسکو حدودی را نشان داد که از آن پا فراتر نمی گذارد و مقامات روسیه اولویت های خود را نمایان ساخته و به باکو فهماندند که بین آذربایجان و ارمنستان انتخاب نهایی نمی کنند. ممکن است همین گونه سناریو در روابط بین باکو و واشنگتن تحقق یافته باشد.

جمهوری آذربایجان بر خلاف بسیاری از جمهوری های شوروی سابق دیگر، همیشه سعی کرده است از برخورد شدید با روسیه و غرب خودداری کند ولو اینکه در روابط با مسکو و واشنگتن «نقاط حساس» زیادی داشت. باکو با استفاده از اصل «نه دوست داریم و نه دشمن و فقط منافع ملی»، کاری کرد که قدرت های بزرگ جهان به دنبال دوستی با این کشور کوچک بگردند. آذربایجان با وجود مشکلات داخلی مختلف همیشه راهی برای همکاری با بازیگران بین المللی پیدا می کرد. باکو بر خلاف تفلیس برای قدرت های جهانی مختلف «خودی» شده است.

ولی باکو گاهی يك واقعیت دیگر را درك نمی کرد و آن این است که بازیگران بزرگ در روابط خود با آذربایجان از همان اصول پیروی می کنند: آن ها هم نمی خواهند همه تخم مرغ ها را در يك سبد بگذارند و یکی از جمهوری های ماورای قفقاز را انتخاب کنند. در حالی که سیاست خارجی باکو را اغلب «سیاست تاب بزرگ» می نامند، چرا کشورهای دیگر نیز به خود اجازه ندهند تعادلی بین منافع ارمنستان و آذربایجان برقرار کنند؟

پایان پیام.